

دور الطفل والناشئ في قصة ابنة ملك الجان

م. حسين علي عباس

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية وآدابها

نقش كودک و نوجوان در قصه دختر شاه پريان

پژوهشگر: حسين علي عباس

مربي بخش زبان و ادبيات فارسي

دانشگاه بغداد / دانشکده زبان هاي خارجه

**Role of Children and Juniors in the Story of
Daughter of the King of the Jinn.**

Hussein Ali Abbas

Lecturer of Languages / Baghdad University

بررسی و مطالعه نمودهای فرهنگی گذشته در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه بعنوان کهن‌ترین و اصیل‌ترین مظاهر فرهنگی یک قوم و یک ملت از اهمیت فراوانی برخوردار است.

روش تحقیق مقاله، کتابخانه‌ای و تحلیلی بر اساس مآخذ و منابع به انجام رسیده، و نگارنده علاوه بر بررسی کارکردهای نمادین قصه «دختر شاه پریان» گذری به ادبیات کودک و نوجوان در افسانه‌ها و قصه‌ها نیز داشته است.

نوع پژوهش در حوزه «ادبیات و فرهنگ عامه» و ادبیات کودک و نوجوان می‌گنجد.

هدف این پژوهش بررسی آداب و رسوم گذشتگان است، با استخراج نکات عامیانه می‌توان به آداب و وضعیت اجتماعی مردم روزگاران گذشته آگاه شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر است که قصه «دختر شاه پریان» و بسیاری از افسانه‌ها و قصه‌های دیگر با نگاه و زبانی کودکان، دریایی از اندیشه، باور و اعتقادات را در خود مستتر دارد.

المنص

تعد دراسة الرموز الثقافية القديمة في الأساطير والحكايات الشعبية ذات أهمية كبيرة كأقدم المظاهر الثقافية وأشهرها لأي قومية أو شعب. جرت طريقة البحث بأسلوب مكتبي وتحليلي بالاعتماد على المصادر والمآخذ، وقد درس الباحث أدب الأطفال والناشئين في القصص الخيالية والحكايات بالإضافة إلى دراسة الوظائف الرمزية لقصة "ابنة الملك الجان". يقع البحث في مجال "الأدب والثقافة الشعبية" وأدب الأطفال والناشئين. الهدف من البحث هو دراسة الآداب والتقاليد الماضية، وبإمكان المرء إدراك الأوضاع الاجتماعية للشعوب القديمة وعاداتهم من خلال استخراج الملاحظات الشعبية. تشير نتائج دراسة الباحث إلى أن قصة "ابنة ملك الجان" والعديد من الأساطير والقصص الأخرى ذات المظهر واللغة الطفوليتين، تضم في ثناياها بحار من الأفكار والمصاديق والمعتقدات. الكلمات المفتاحية: الفولكلور، أسطورة، ابنة ملك الجان، رمز، طفل

Abstract

Studies of old cultural symbols in myths and folk tales are very significant and considered to be the oldest and most famous aspects of any nation or people. Research was conducted by applying a library and analytical method through using the references and intake. The researcher studies children's and juniors literature in fairy tales and stories as well as the symbolic functions of the story "Daughter of the King of the Jinn". The research covers the folk culture and literature, and children's and juniors literature. It aims at studying old traditions and literature. One can be acquainted with the social conditions of old peoples and their traditions through getting folk notes. The conclusions of this study indicate that the story of "Daughter of the King of the Jinn" and many other myths and stories that are featured with the aspect and language of children, encompass magnitudes of opinions, evidences and beliefs within.

بیان مسئله

قصه‌ها و افسانه‌ها بخشی از زندگی آدمی است.. از دیرباز افسانه، داستان‌های اساطیری، قصه‌های عامیانه با ویژگی‌های معنادار و قابل تأویل خود، هویت بخشی از هویت فرهنگی و قومی ما هستند. امروزه گسستی میان این قصه‌ها و مخاطبان آن پدید آمده است.. از آنجا که کودکان همواره مخاطبان اصلی این گونه قصه‌ها به شمار می‌روند نیکوست تا به بررسی قصه‌ها و افسانه‌هایی که ردپایی از کودکی در آن به چشم می‌خورد، بپردازیم.. تأویل و تفسیر قصه‌ها و آشنایی با جنبه‌های گوناگون آنها، سبب می‌شود تا به درک عمیق تری از آنها برسیم و کودکان را با ظرفیت گوناگون و دنیای شگفت انگیز و فانتزی قصه‌ها بیشتر آشنا کنیم. پژوهش در این حوزه اهمیت دارد و به روشن شدن بسیاری از جنبه‌های فرهنگ عوام کمک می‌کند و در دراز مدت از نابودی سنت‌ها و هویت ملی یک سرزمین جلوگیری می‌کند..

پیشینه پژوهش

تا کنون درباره قصه‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها و نقش کودک در آنها پژوهش‌های زیادی انجام شده است اما پژوهشی در مورد این روایت از قصه‌ی «دختر شاه پریان» انجام نشده است.. در زیر به تعدادی از پژوهش‌ها اشاره می‌شود: مقاله «اسطوره و شاهکار ادبی، خدمات کودک و نوجوان» نوشته‌ی سلطان‌القرائی.. نویسنده در این پژوهش به برخی از اسطوره‌های اصیل ایرانی در اوستا و شاهنامه

ها و بعضي از اسطوره‌هاي عرفاني اشاره کرده است.. مقاله «تحليل قصه برادر عاقل و برادر ديوانه از منظر اسطوره ديوسکوریک» نوشته ي علي حيدري.. نويسنده به نمادهاي مختلف اين داستان و رمزگشايي از آنها پرداخته است.. نگارنده در نگارش اين مقاله از کتاب‌هاي پژوهشگران صاحب‌نام و برجسته اين حوزه مانند: علي اشرف درويشان، ابوالقاسم انجوي شيرازي، رضا خندان و ... بهره‌هاي فراوان برد.

۱- ادبيات کودکان و نوجوانان

ادبيات کودکان و نوجوانان به مجموعه آثار و نوشته‌هايي (کتاب‌ها و مقالات) گفته مي‌شود که توسط نويسندگان متخصص براي مطالعه‌ي آزاد کودکان تهيه مي‌شود و در همهي آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است (شعاري نژاد، ۱۳۷۰: ۲۹). نويسنده‌ي کتاب کودکان و ادبيات رسمي ايران، تعريف ديگري از ادبيات کودکان ارائه مي‌دهد و مي‌گويد: «ادبيات کودکان نوشته‌ها، گفتارها و سروده‌هايي است که بزرگسالان جامعه براي مخاطب خردسال و کودک مي‌آورند» (هاشمي‌نسب، ۱۳۷۱: ۱۰). نويسندگان در تعاريفي که از ادبيات کودکان ارائه داده‌اند به تفاوت آن با ادبيات بزرگسالان نيز اشاره کرده‌اند: ادبيات کودکان نه تنها نبايد چيزي از ادبيات بزرگسالان کم داشته باشد بلکه بايد مفاهيم بنيادي و سازنده‌تري توجه کند (ر. ک ليلي ايمن و ديگران، ۱۳۵۴: ۱).

ادبيات کودکان در پي ساختن انسان و جامعه است اين ادبيات با تمرکز بر گذشته به آينده مي‌نگرد و اهداف گوناگوني را دنبال مي‌کند:

۱. آماده‌سازي کودک براي شناختن، علاقه و شکل‌دهي محيط.

۲. شناخت کودک و تقويت احترام به انسانيت و تلاش براي ارتقاي آدم.

۳. اصل سرگرم‌کنندگي و لذت‌بخشي.

۴. تشويق کودک به مطالعه و تقويت انگيزه آن در وي.

۵. تقويت و تمرکز براي صلح در جهان (ر. ک، حجازي، ۱۳۷۸: ۱۸)

مواردي که مطرح شد غالبا به جنبه‌هاي روان شناختي و تربيتي ادبيات کودک اشاره کرد تا جنبه‌هاي ادبي و زباني.. اما بايد بدانيم همان‌طور که تعليم و تربيت در حوزه ادبيات کودک مهم است مي‌بايست زبان اين آثار نيز به گونه‌اي باشد که ارتباط مخاطب را به همراه بياورد چرا که بدون برقراري ارتباط اهداف به خوبي اجرا نخواهد شد. نکته ديگر توجه و تأکيد بر عنصر لذت‌بخشي است.. به گفته جعفر ابراهيمي: «کودکان و نوجوانان با بسياري از اين اهداف کاري ندارند همان‌گونه که آنها هدف خاصي از بازي نيز ندارند جز لذت بردن از آن (ابراهيمي، ۱۳۸۱: ۷۷).

۱.۱ تاريخچه ادبيات کودکان و نوجوانان در جهان

نمي‌توان تاريخ مشخصي را براي ادبيات کودکان در نظر گرفت.. شايد لالائي‌ها را بتوان يکي از متون آغازين ادبيات کودکان دانست.. علاوه بر اين آموزش کودک و نوجوان از ديرباز مورد توجه قرار گرفته است اما در اين آموزش‌ها به کودکان به چشم زن و مرد بزرگسال نگريسته شده است.. افلاطون فيلسوف يوناني قبل از ميلاد يکي از اولين کسانی بود که به تفاوت‌هاي سرشتي کودکان توجه کرد و د تربيت و تعليم ايشان را براساس اني تفاوت‌ها بنیان گذاشت.. وي در کتاب "جمهوريت" در بحث تقسيم گفتار به راست و دروغ مي‌گويد: "ما تمثيلات (قابل) را به کودکان مي‌آموزيم.. اين تمثيلات غالبا دروغ هستند.. البته نمي‌توان منکر بخشي از حقيقت در آنها شد.. آيا شايسته است که اين موارد که سبب غفلت کودکان مي‌شود، به آنان آموزش داده شود". (ر. ک، افلاطون، ۱۳۳۵: ۱۳۰). ادبيات کودکان در آلمان با مطالعه آثار برادران گريم، در فرانسه با کارهاي شارل پرو، در کشورهاي اسکانديناوي با کوشش‌هاي اسبيورنسن شکل گرفت.. تمام اسامي مذکور گردآورندگان افسانه‌هاي مردم و قصه‌هاي عاميانه بودند.. همواره چهره‌ي يک گردآورنده‌ي قصص عاميانه در تاريخ تحول ادبيات کودکان اکثر کشورهاي جهان ديده‌مي‌شود (سهراب مافي، ۱۳۷۲: ۱۴۷ و ۱۴۸). بسياري بر اين عقیده‌اند که نخستين کتاب مخصوص کودکان با عنوان "يادگاري براي کودکان" بين سال‌هاي ۱۶۷۱ و ۱۶۷۲ توسط روحاني مسيحي به نام "جيمز جاني وي" در انگليس نوشته و منتشر شد اين کتاب که صبغه مذهبي داشت در پي تلقين اندیشه‌هاي مذهبي به کودکان بود. نوجوانان به کتاب‌هاي ديگري جز افسانه‌هاي ملل دسترسي پيدا کردند و آنها را خواندند.. اين کتاب‌ها شامل رابينسون کروزو، گالپور، تام ساير.. بود. در اين زمان ادبيات کودک به مفهومي که اينک وجود دارد، نبود.. در قرن نوزدهم هانس کریستين اندرسن (۱۸۰۵-۱۸۷۵) داستان‌هايي نوشت به مفهوم ادبيات کودک در اين روزگار نزديک است.. تخيل قوي وي و پرداخت هنرمندانه و احترام وي به مخاطبان و

اعتقاد به نیکی و محبت سبب جاودانگی آثار او گردید. جدایی ادبیات آمریکا از ادبیات انگلستان در اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم اتفاق افتاد.. مارک تواین و لوییز امی آلکوب از پایه‌گذاران این تفکیک بودند.. ترجمه، جمع‌آوری داستان‌های بومی و رشد کتاب‌های تصویری به ادبیات کودک و نوجوان کمک کرد. ادبیات کودکان در شوروی به دوران قبل و بعد از انقلاب دسته‌بندی می‌شود.. دوران پیش از انقلاب متمرکز بر ادبیات روسیه است و نویسندگانی همچون تولستوی، گورگی، ژوکوفسکی و پوشکین در این حوزه قلم می‌زدند. جنگ جهانی دوم سبب شد تا توجه بیشتری به ادبیات کودک و نوجوان مبذول گردد.. علاوه بر این استقلال کشورها سبب آزادی فکری ایشان گردید.. آنان در ارتقای ادبیات کودک و نوجوان خاص کشور خویش کوشیدند.. علاوه بر این تفاهم بین‌المللی نیز در جهان ایجاد گردید (ر. ک. حجازی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۷).

۱.۲ تاریخچه ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران

ادبیات کودک و نوجوان در کشور ایران سابقه چندانی ندارد.. اما این ارتباطی با افسانه‌ها و لایه‌ها و ... ندارد.. این متون شفاهی ادبی همواره کودکان را اقناع نموده‌اند و سبب رشد ذهنی و عاطفی ایشان گردیده‌اند.. در این میان ادبیات مکتوب خاص کودکان و نوجوانان سابقه‌ای ندارد. عبدالرحیم طالبوف با نوشتن کتاب /حمد، باب تازه‌ای در ادبیات کودکان در ایران می‌گشاید.. کتاب /حمد گفت و شنود پدری است با فرزند خیالی و باهوش خود که در موضوعات مختلف علمی به زبانی ساده و قابل فهم کودک نوشته شده است. اگر از ادبیات فولکلوریک ایران دوبیتی‌های عاشقانه، سرودواره‌ها، بیاض‌های سخنوری بعضی از اشعار و روایات دینی و پاره‌ای قصه‌های پهلوانی را جدا کنیم چیزی جز ادبیات کودکان باز نخواهد ماند.. تقریباً تمامی قصه‌ها و افسانه‌های شایع بین مردم، مثل‌ها، لایه‌ها، معماها و چیستان‌ها، بازی‌ها و قافیه‌پردازی‌های عامیانه برای کودکان ایجاد شده‌است و وسعت این‌گونه‌های ادبی تا به آنجاست که می‌توانیم بگوییم بخش بزرگی از ادبیات عامیانه ایرانی به کودکان تعلق دارد. صبحی مهتدی نخستین کسی بود که قصه‌های عامیانه ایرانی را برای کودکان جمع‌آوری کرد.. وی فعالیت خود را پیش از سال ۱۳۲۰ در رادیو شروع کرد و از این طریق با کودکان ارتباط برقرار کرد.. وی برای یافتن افسانه‌ها و قصه‌ها به گوشه و کنار ایران سفر کرد. ذکر این نکته ضروری است که صبحی مهتدی نخستین کسی نبود که به گردآوری ادبیات فولکلور ایران دست زد.. پیش از وی صادق هدایت نیز در این عرصه پا گذاشته بود.. اما می‌توان گفت صبحی اولین کسی بود که ادبیات عامیانه را به شکلی اختصاصی برای کودکان جمع‌آوری کرد.. هرچند وی در بازنویسی‌های نوق و دقت زیادی به خرج نداده است.. شاید به همین سبب است که بخشی از آثاری که او جمع‌آوری کرده است خالی از الفاظ نامناسب و رکیک نیست.. اما صبحی و کاری که وی انجام داد در تاریخچه ادبیات کودکان و نوجوانان حائز اهمیت و بسیار بارز است (ر. ک. حجازی، ۱۳۷۸: ۲۸-۳۱).

۲- فرهنگ و ادبیات عامه

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فرهنگ عامه، ادبیات عامیانه است.. این نوع ادبی از دیرباز تا کنون در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک جریان داشته و انعکاس اندیشه و فرهنگ مردم بوده است.. ادبیات عامیانه دربردارنده لایه‌ها، ترانه‌ها، افسانه‌ها و مثل‌ها و ... است.. این قصه‌ها سرچشمه‌ای از شاهکارهای ادبیات کلاسیک و رسمی به شمار می‌روند (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۳). ادبیات عامیانه شکلی از فرهنگ توده مردم است و به سبب سادگی زبان قابلیت درک توسط گروه‌های سنی مختلف را دارد.. این نوع ادبی توسط افراد مستعد خلق شده و به دست مردم رسیده است (ر. ک ستاری، ۱۳۸۱: ۱۵). از نظر میرصادقی پژوهشگر ادبیات داستانی، قصه‌های عامیانه در گذشته مخاطبانی از تودل مردم داشته است و وجه تسمیه عامیانه نیز به همین دلیل است (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

۲.۱ قصه

قصه را می‌توان همزاد بشر دانست و یکی از اولین خویشاوندی‌های آدمی.. این گونه ادبی پیش از اختراع خط و به شکل شفاهی وجود داشته است (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۱۷). میرصادقی قصه را به تمام آثار خلاقانه‌ای اطلاق می‌کند که قبل از مشروطیت با نام‌های «حکایت»، «افسانه» و .. آمده است.. این گونه ادبی ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها، کلی‌گرایی، صغف پیرنگ و خرق عادت است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۲).

۲.۲ قصه‌های پریان

قصه های پریان با کارکرد روان شناختی، گونه ای مهم از افسانه هاست که در سامان دهی ذهنی مخاطب، از ویژگی و جایگاه خاصی برخوردارند.. این افسانه ها آشفتگی و عدم امنیتی را که از سوی محیط پیرامونی و هم چنین حیات روانی کودک به او تحمیل می شود از میان برمی دارد و او را به سوی کشف هویت و استعداد ذاتی خود رهنمون می سازد .. هم چنین به او می آموزد تا برای کشف خویش از پیکارهای پرخطری که بی آنها هرگز کسی قادر به تحصیل هویت حقیقی نیست، نهراسد (بتلهایم، بی تا: ۵).

۲.۳ طرح در قصه های کهن

قصه های کهن طرحی ساده و مرسوم دارد.. این قصه ها عنصر ثابت رفتارهای کارکردی و عناصر قابل تغییر شخصیت و موضوع را دربرگرفته اند.. عنصر شخصیت و موضوع به سمت بومی سازی میل کرده و رفتارهای کارکردی یا همان کنش های کارکردی به نیازهای عمومی انسان که در مکان های مختلف وجود دارد، یکسان است.. طرح قصه ها در بیشتر موارد تکرار می شود (ر. ک حاجی نصرالله، ۱۳۸۲: ۹۸). قصه های شفاهی را از نظر ساختاری می توان به دو بخش تقسیم کرد: ژرف ساخت، روساخت. ژرف ساخت شامل جوهره ی اصلی، اندیشه و روندهای اصلی قصه است.. چگونگی و کیفیت بروز و ظهور ژرف ساخت را روساخت می گویند که در روایت های مختلف هر قصه، رنگ و بوی متفاوت به خود می گیرد (قنوتی، ۱۳۸۳: ۳۶). روساخت قصه های ایرانی معمولا دارای ابتدا، انتها و گزارش است.. ابتدای قصه ها معمولا با عبارت های یکی بود، یکی نبود .. بود نبود روزگاری بود، پادشاهی بود و عبارات و جمله های مشابه دیگر شروع می شود.. انتهای قصه ها نیز دارای جمله ها و عباراتی آهنگین مانند: قصه ی ما به سر رسید، بالا رفتیم ماست بود، پایین اومدیم دوغ بود است.. گزارش متن قصه نیز در میان این ابتدا و انتها ارائه می شود و در این گزارش ها با جمله های معینی روبرو می شویم (قنوتی، ۱۳۸۳: ۳۷).

۳ - قصه ها و تعامل با کودکان

بسیاری از قصه های عامیانه عرصه مبارزه و ستیز نیروهای پلیدی و پاک، نیکی و بدی و تاریکی و روشنایی هستند.. ستیزها از آن جا که نبردی آشکارند برای کودکان قابل درک است.. آنها به راحتی قهرمان داستان را می شناسند.. زیرا خوب و بدی در این قصه ها مطلق است.. خوبی ها با اغراق زیاد چند برابر جلوه داده می شوند و بدی ها نیز مطلق نموده می شود.. کودک اعمال شخصیت ها را درک می کند و به سبب سادگی قصه ها همذات پنداری خوبی با قهرمان دارد.. آگاهی و ادراک مخاطبان از طریق قصه ها به نسل های بعدی نیز منتقل می شود.. (کائدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). از هنگامی که مطالعات و تحقیقات جدید روان کای و روان شناسی کودک مشخص ساخت که قوه ی تخیل و ذهنیت یک کودک تا چه اندازه خشن، پرتشویش و التهاب، منفی و حتی ازراگر است، افسانه ها و قصه های عامیانه به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.. بدین ترتیب می توان دریافت که افسانه ها و قصه های عامیانه زندگی روحی و روانی کودک را هدف خود قرار می دهند .. در واقع کودک از راه مطالعه و آشنایی با این قصه ها از نظر روحی و روانی تحت تأثیر قرار می گیرد.. به همین سبب برخی بر این باورند که این گونه قصه ها به احساسات ناخوشایند و پر درد و رنج موجود در روح و روان کودکان دامن می زنند (بتلهایم، ۱۳۷۹: ۳۵). بتلهایم پس از بیان این نظرات در ادامه توضیح می دهد: «چنانچه کودک با افسانه ها و دنیای فانتزی و خیالی آنها آشنا شود، قوه ی تخیل و ذهن او فعال می شود و می تواند با این عنصر وجودی خود رابطه برقرار کند.. بدون مطالعه و بازگویی این قبیل قصه ها و افسانه ها برای کودکان، کودک نمی تواند هیولای خیالی خود را بشناسد و راه غلبه و پیروزی بر آن را بیابد.. در چنین شرایطی کودک با اضطراب و نگرانی شدید عاجز می ماند و سخت درمانده می شود.. آشنایی با قصه ها عامیانه ی کهن به اضطراب و نگرانی ذهنی او فرم و قالبی مشخص می دهد و سرانجام، راه غلبه بر این دیو را برایش آشکار می سازد (همان: ۳۶).

۴ - قصه دختر شاه پریان

قصه «دختر شاه پریان» روایت های گوناگونی دارد و ما در این جستار روایتی از یکی از بانوان خراسانی را برگزیدیم.. این قصه در کتاب «افسانه های قوچان» آورده شده است. در زمان قدیم پادشاهی بود.. وی کنیزی زیبا و بدجنس داشت.. وقتی همسر پادشاه دو فرزند به دنیا می آورد، کنیز جایی دو کودک را با دو توله سگ عوض می کند.. و خود با پادشاه ازدواج می کند.. کنیز دو کودک را در صندوقی گذاشت.. بزوی به آن دو کودک شیر داد و کودکان نزد پیرزن و پیرمردی تهی دست در جنگل بزرگ شدند. روزی پادشاه هنگام شکار پسر (قهرمان داستان) را در جنگل می بیند.. و برای همسرش (کنیز) می گوید.. کنیز متوجه می شود که پسری که پادشاه از

او سخن مي گوید فرزند خود پادشاست.. به جنگل مي رود و با دختر در مورد آيينه ي دختر شاه پريان سخن مي گوید.. دختر موضوع را به برادرش مي گوید و از او مي خواهد آيينه ي دختر شاه پريان را براي او بياورد.. پسر به غاري مي رسد.. پيرمردي او را راهنمايي مي کند.. کفش آهني و عصاي فولادي به او مي دهد و به او مي گوید هرگاه به چاه رسيدي سه سيب از درخت بچين و درون چاه بينداز .. از چاه پرندۀ اي بيرون مي آيد و کليد خانه ي دختر شاه پريان را به تو مي دهد.. وقتي که از در وارد شدي هرکاري را برعکس انجام بده و پشت سرت را نگاه نکن.. پسر تمام کارها را انجام مي دهد و آيينه را به دست مي آورد.. روز بعد پادشاه دوباره جوان را مي بيند و او را به قصر دعوت مي کند.. همسر پادشاه (کنيز) وقتي از موضوع آگاه مي شود به خانه ي جوان مي رود و به خواهرش مي گوید تا اين بار برادرش را به دنبال دختر شاه پريان نفرستد.. جوان اين بار به دنبال دختر شاه پريان مي رود و پيرمرد به او مي گوید خيلي ها خواسته اند دختر شاه پريان را به خانه ببرند ولي بخاطر اينکه قلب صافي نداشته اند موفق نشده اند و همان جا تبديل به سنگ شده اند.. جوان به دختر شاه پريان حقيقت را مي گوید و موفق مي شود او را به خانه ببرد.. دختر شاه پريان از همه چيز باخبر بود و از جوان خواست اين بار پادشاه را به خانه دعوت کند.. روز بعد جوان پادشاه را مي بيند و او را به خانه ي خود دعوت مي کند.. دختر شاه پريان خانه را آراسته مي کند و به جوان مي گوید پس از اينکه پادشاه غذايش را خورد از من بخواه تا برايش قصه اي بگويم.. پادشاه مي آيد و دخترش پريان قصه اي که واقعيّت زندگي جوان و خواهرش است را براي پادشاه مي گوید.. پادشاه از همه چيز آگاه مي شود و مادر بچه ها را به همسري خود درمي آورد و پسر پادشاه نيز با دختر شاه پريان ازدواج مي کند..

٤.١ بررسي و تحليل قصه «دختر شاه پريان»

آنچه در اين روايت بيش از همه توجه ما را جلب مي کند اين است که دختر شاه پريان حضور پررنگ ندارد.. حضور او گرچه سرنوشت ساز و کليدي است اما نقش اصلي داستان نيست.. شخصيت ها به موازات هم پيش مي روند و غالباً شخصيت هايي منفعل هستند .. تنها شخصيت هاي فعال قصه، نامادري و دخترشاه پريان است.. حتي در اين قصه «قهرمان» نيز شخصيتي منفعل دارد.. او مطابق خواسته ي ديگران عمل مي کند بدون آنکه ذره اي از اراده ي خود را وارد ماجرا کند. شخصيت نامادري در قصه ي «دختر شاه پريان» در گروه شخصيت هاي بد قرار مي گيرد و تا پايان قصه اين ويژگي را حفظ مي کند. شخصيت قهرمان در اين قصه از مرزها و موانع دشوار گذر مي کند و در پايان بر نيروي شر پيروز مي گردد.. شخصيت هاي قصه در سراسر قصه متحول نمي شوند.. تنها شخصيت «پادشاه» در پايان به اشتباه و قضاوت زود هنگامش پي مي برد و در جهت جبران برمي آيد. شخصيت هاي «خواهر و برادر» در اين قصه در طبقه ي فرودست قرار مي گيرند.. آنها علي رغم اينکه فرزندان «پادشاه» هستند از آنجا که از اين موضوع بي اطلاع هستند در گروه فرودستان قرار گرفتند.. «پسر» در اين شمائل بر دشواري ها و «شر» پيروز مي گردد.. و اين يادآور بسياري از قصه هاي کهن است که به شرح حال فرودستاني مي پردازد که در مقابل موانعي که آنان را از رفتن بازمي دارد، به پا مي خيزند.. شخصيت ها ي «مرد» و «زن» در اين داستان پاي به پاي هم در پيشبرد حوادث نقش دارند.. کنش هاي جادويي، مکان هاي جادويي و نيروهاي جادويي نيز در اين داستان به چشم مي خورد.. در قصه «دختر شاه پريان» اگرچه از مکان و زمان خاصي سخن به ميان نمي آيد اما نشانه هاي يک سرزمين خاص به چشم مي خورد .. ما اين سرزمين را از خلال آداب زندگي شخصيت هاي داستان، مي شناسيم.. اشاره به رودخانه، جنگل همه نشان از آن دارد که بستري که اين روايت از آن برخاسته است مربوط به منطقه اي کوهستاني و سرسبز بوده است. گروه سني شخصيت هاي قصه در حال تغيير است.. شخصيت قهرمان و خواهر از دوران نوزادي در قصه حضور دارند و تا سنين بعد از بلوغ به تصوير کشيده شده اند.. با اينکه شخصيت کودک در اين داستان حضوري پررنگ ندارد اما مولفه هاي فانتزي داستان براي مخاطب کودک جذاب است. مخاطبان کودک وقتي حضور شخصيت هاي کودک را در داستان مي بينند به سبب همذات پنداري هايي که با اشخاص برقرار مي کنند بيشتر جذب داستان مي شوند..

٤.٢ پيام قصه

پيام، در قصه هاي عاميانه در کنش هاي قصه و اتفاقات پي در پي که از رابطه هاي علي و معلولي ساده اي پيروي مي کنند بيان مي شود.. و باتوجه به اينکه اين قصه ها هميشه پايان خوشي دارند، پيام قصه نيز به سرنوشت نيک و پاداش مادي و يا معنوي بعد از گذار از سختي اشاره دارد.

در این روایت، راستی و پرهیز از دروغ و حيله در مرکز روایت قرار دارد.. در این قصه نیز، قهرمان چون دیگر قهرمان های قصه های کهن برای رسیدن به خواسته اش باید مراحل دشواری را پشت سر بگذارد.. اما نکته‌ای که مشهود است این است که این روایت فاقد تعلیق ها و کمشکش هاست و قهرمان به سهولت این سختی ها را پشت سر می گذارد و به مراد خود می رسد.. از آنجا که در ابتدای قصه به دوران نوزادی و کودکی اشخاص داستان و به خصوص قهرمان اشاره شده است .. مخاطب کودک می تواند به راحتی قصه را تا پایان ادامه دهد.. علی رغم رشد شخصیت های داستان و بزرگ شدن قهرمان داستان و گذر وی از دوران کودکی، اما کنش قهرمان داستان همچنان برای مخاطب کودک قابل هضم است.. اعمال قهرمان به سبب هیجانانگیز و فانتزی بودن برای کودک دلچسب است و پیام قصه نیز به راحتی برای مخاطب کودک قابل درک است.

۵- نمادشناسی های قصه «دختر شاه پریان»

۵.۱ رودخانه

رودخانه نماد گذر زندگی، جهان تغییر پذیر و بازگشت به اصل است.. رودخانه که از سرچشمه جاری می شود و دوباره به آن می ریزد (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۷۶). «گذر زندگی» را به شکل های گوناگون می توان در این قصه مشاهده کرد.. آنچه بیش از همه به چشم می آید گذر قهرمان قصه از کودکی است.. مخاطب با همدات پنداری با قهرمان (که در ابتدای داستان کودکی اش به تصویر کشیده شده است) از کودکی عبور می کند و می گذرد.. قصه از این جهت که کودک را در مسیر و رشد و تعالی قرار می دهد حائز اهمیت است.. مخاطب با به پای قهرمان حرکت می کند. در قصه ی «دختر شاه پریان» دو کودک از سرچشمه ی خود جدا می شوند.. اما بعد از گذر از موقعیت های گوناگون دوباره به اصل خویش بازمی گردند. در قصه «دختر شاه پریان» کنیز دو کودک را درون صندوق می گذارد و به رودخانه ی می اندازد.. و می توان نتیجه گرفت اقلیمی که این روایت از دل آن بیرون آمده، اقلیمی کوهستانی بوده است.. اقلیمی که در آن رودخانه های زیادی مشهودند.. آب در باورها و گفته های عامیانه نشانه ی روشنایی است.. سرنوشت دو کودک را به سمت روشنی می برد.. و خواننده درمی یابد که سرنوشت آنان تاریک نیست..

۵.۲ صندوق

بسیاری از قهرمانان اسطوره ای پس از تولدی که نمی باید صورت می گرفت، توسط مادر در یک سبد، جعبه یا قابی تعبیه شده و به آب سپرده می شوند.. ترس از پدر، یا یک پادشاه ستمگر که در صدد نابودی کودک است مادر را بر آن می دارد تا با عملی که خود ریشه در اسطوره ها دار، به نجات فرزند بپردازد.. پیش از داستان موسی، افسانه ی کهن سومری در مورد پادشاهی به نام سارگون موجود است (حسینی و شکیب، ۱۳۹۳: ۱۱۰). در قصه ی «دختر شاه پریان» کنیز یا همان نامادری کودکان را صندوق می گذارد.. در غالب قصه ها و افسانه ها فرد دلسوزی از نزدیکی کودک جهت حفظ جان کودک او را در صندوق یا سبد می گذارد به آب می اندازد اما در این قصه این فعل از جانب شخصیت شر و منفی قصه سر می زند. از نظر فروید در کتاب موسی و آیین یکتاپرستی قرار دادن کودک در سبد، نمایش استعاری تولد است، زیرا سبد به طور مجازی در حکم شکم یا زهدان مادر و آب دریا نیز به مثابه آب جنینی قلمداد می گردد (فروید، ۱۳۴۸: ۵). «صندوق» محل نگهداری اشیای گرانبها بوده است.. و ناخودآگاه ذهن را به سمت خفا و پدیده هایی پنهانی می کشاند.. کنیز، دختر و پسر را در «صندوق» می گذارد و به دل اب می اندازد.. خواننده با پیش زمینه ای که از داستان «حضرت موسی» دارد نیک درمی یابد که که سرنوشتی شوم در انتظار کودکان نیست.. مخاطب می داند که آنان از اب گرفته و بزرگ خواهند شد.. قصه های عامیانه آشخور باورها، اعتقادات و افکار گوناگونی است و این باورهاست که زمینه های پرورش قصه ها را فراهم می آورد.. داستان حضرت موسی یکی از مواردی است که رگه هایی از آن در این قصه به چشم می خورد.. می توان در این قصه «صندوق» را به مثابه «گهواره» نیز قلمداد کرد.. نام «گهواره» همواره کودک و کودکی را به ذهن متبادر می سازد.. «گهواره» یادآور پرورش است.. حضور کودکان در گهواره نشان از پرورش آنان دارد.. رهسپار شدن آنان به محیطی که در آن پرورنده خواهند شد.

۵.۳ تغذیه کودکان توسط بز

در اساطیر ایرانی عمده ترین تجلی پرورندگی حیوانات در دو داستان فریدون و زال دیده می شود.. اگرچه در هردوی این روایات، حیوانات (گاو و سیمرغ) شخصیت اسطوره ای را پرورش می دهند اما جزئیات متفاوت و علل پرورش نیز دیگرگون است (محمدی بدر و

نورالدينی، (۱۳۹۴: ۱۸۹). کودکانی که پس از تولد رها می شوند غالباً توسط حیوانات بزرگ می شوند.. در قصه ی «دختر شاه پریان» عوامل واقع گرا به داستان ورود پیدا کرده اند و نقش حیوان را تنها به تغذیه ی ایشان محدود کرده است و پرورش آنان را به عهده ی پیرمرد و پیرزن گذارده است. انتخاب بز به عنوان حیوانی که می پروراند سابقه ای کهن در اسطوره ها و افسانه ها دارد.. در افسانه های یونان باستان، مادر ژئوس پس از تولد فرزند او را به ماده بز می سپارد.. علاوه بر ماده بز، از میان حیوانات یاری گر می توان به عقاب، سیمرغ، گاو، گرگ، قو، خرس و گوزن اشاره کرد که نقش های مهمی در تولد قهرمان و پرورش او بر عهده دارند (حسینی و شکیبی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در قصه به سینه های پرشیر بز اشاره می شود.. و این به این معناست که خود بز نیز کودکانی داشته است.. مهمادری و غریزه ی او برای تخلیه ی شیر او را به سمت کودکان می کشاند.. و کودکان که تا پیش از آن مهمادری را به هیچ شکلی تجربه نکرده بودند به خوبی پذیرای آن می شوند.. قهرمان داستان در همین زمان است که برای اولین بار طعم محبت را می چشد.. او این محبت را از کسی دریافت می کند که هم نوع او نیست.. و همین امر می تواند این نوید را دهد که در مسیر زندگی کودک (قهرمان داستان) پدیده های گوناگونی به یاری اش می شتابند.

۵.۴ پادشاه

شاه خوب، تجلی روح نیکوکار خدا و نماد فرمانروایی او بر زمین است .. وظیفه ی او این است که آفرینش و دین بهی و شادمانی رعیت را گسترش دهد.. زیرا اینها تجلیات آرزوهای خدا برای انسان است (هینلز، ۱۳۸۲: ۱۵۳). در بسیاری از قصه های عامیانه، شخصیت برجسته و روحانی شاهان به نقشی ساده تنزل یافته است.. در قصه ی «دختر شاه پریان» حضور و نقش پادشاه به پدر دو کودک محدود شده است.. پادشاه در این قصه نیز همچون بسیاری از قصه های دیگر، مانند مردم عادی و فاقد قدرت های خارق العاده و اساطیری است.. او از آینده بی خبر است، قضاوت اشتباه می کند و در پایان متوجه اشتباه خود می شود.. قهرمان داستان در دوران کودکی اش و در ابتدای زندگی حضور پدر را حس نمی کند.. پدر (پادشاه) را با حيله و نیرنگ از او دور ساخته اند.. قهرمان از کودکی نگاهبان بودن را یاد می گیرد.. او از زمانی که با خواهرش درون صندوق گذاشته شدند تا سالها بعد نقش حامی را ایفا می کند.. نبود پدر (پادشاه) در کنار تمام دشواری ها کودک (قهرمان داستان) را بزرگ تر و به رشد شخصیت وی کمک می کند.

۵.۵ آینه

آینه نماد حقیقت، خودشناسی، خرد، فکر، جان آینه ی عالم انعکاس است.. انعکاس در آینه یعنی جهان مادی و ظاهری و همچنین معرفت انسان نسبت به خودش. (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۱). هنگامی که نامادری به صورت غیرمستقیم «قهرمان» را به دنبال آینه ی دخترشاه پریان می فرستد، در حقیقت او را به سوی حقیقت و خودشناسی فرامی خواند.. قهرمان تا پیش از این زندگی معمولی خود را می گذراند.. اما وقتی در پی آینه روان شد، سلوک خویش را در جهت خودشناسی و راه یابی به حقیقت آغاز کرد.. قهرمان می داند که با مشکل مواجه می شود.. او را از راه سخت و دشوار خواسته اش آگاه کرده اند اما او قدم در راه می گذارد.. به طور کلی کودکان توجه چندانی به آینه ندارند.. شاید آینه در ابتدا برای هرکودک جذابیت هایی داشته باشد اما آنها پاسخ و تایید خوب بودن را از آینه نمی گیرند.. در قصه ی «دختر شاه پریان» نیز در ابتدای داستان و در دوران کودکی قهرمان و دیگر شخصیت ها هیچ اشاره و نشانه ای از آینه نیست، با اینکه در اواسط داستان نقش پررنگ آینه اشکار می شود.. پس از گذار از کودکی، شخصیت خواهر از قهرمان آینه طلب می کند و آن قدر حضور این آینه حیاتی می شود که جدایی چندروزه و خطرات سفر را هم شخصیت خواهر و هم قهرمان داستان به جان می خرند..

۵.۶ نامادری

چهره ی منفی و شر در این قصه «نامادری» است.. راوی او را دارای چهره ای زیبا توصیف می کند و در همان ابتدای به زشتی سیرت او اشاره می کند.. او از همان ابتدا با حسادت پا به قصه می گذارد.. حسادت او نمادی از تمام عقده ها و خودکم بینی های اوست.. و برای خاموش کردن آتش حسادت او خود، به آزار دیگران می پردازد. یکی از نشانه های زشتی سیرت نامادری در رفتار او با کودکان قصه نمایانگر شده است.. او از ذهنش روح پاک کودکان را می زدايد و سگ را جایگزین کودکان می کند.. او اندیشه اش را به دیگران نیز انتقال می دهد.. دور کردن کودکان از محل زندگی شان و جدایی آنها از حق و حقوقشان نیز مهر تاییدی بر خبث طینت نامادری قصه است.

وارونه انجام دادن کارها نماد برهم ریختن باورهاست.. و اینکه جوان باید آماده شود برای پذیرش تغییر زندگی و تغییر باورهاش.. او باید تغییراتی را به وجود بیاورد که طبق قانون طبیعت است و ما می بینیم که جوان به گاو علف می دهد، به شیر گوشت می دهد یعنی آن ها را به مرادشان می رساند.. او در بسته را باز می کند و این بدان معناست که راه را برای تغییر باز می گذارد.. او دری را که باز بوده را می بندد یعنی در را به روی زندگی گذشته اش می بندد و چشمش را به جهان و زندگی دیگر می گشاید. در این بخش ما بازی کودکانه ای روبرو هستیم.. بازی کودکانه ای که می تواند قهرمان را به خواسته اش برساند.. این بازی در عین حال به صورت غیرمستقیم حامل پیام هایی است.. جابه جایی ها بیش از پیش قهرمان را به کودکی و دنیای کودکانه پیوند می زند.

٥.٨ درخت سیب

از طریق رستنی ها و گیاهان سراسر زندگی و طبیعت که با ضرب آهنگ های گوناگون تازه و نو می گردند، تکریم می شود، ارتقا و اعتلا می یابد و به فریادرسی می خوانندش تا خواهش ها و نیازها را برآورد.. قوای نباتی مجلای قداست حیات کیهانند (الیاده، ١٣٧٦ : ٣٠٦). درخت در اندیشه های آدمیان از دیرباز مورد احترام بوده است و انسان بدوی با این باور که روانی بی مرگ و مقدس در درخت حضور دارد، این پدیده ی باشکوه طبیعت را ستایش کرده اند «از دورترین ایام، تصویر مثالی درخت به مثابه آینه ی تمام نمای انسان و ژرف ترین خواست های اوست.. این تصویر مثالی زاینده ی انبوهی رمز است که در شاخه های بی شمار گسترش می یابد و خرمن و خرمن در بستر اساطیر و دیانات و هنرها و ادبیات و تمدن های گوناگون می ریزند (دوبوکور، ١٣٧٦ : ٨). یکی از جلوه های قداست درخت، حمایتش از قهرمان یا قهرمانان است.. در قصه ی «دختر شاه پریان» درخت سیب را می بینیم که با سخاوت سه سیب در اختیار قهرمان قرار می دهد.. یکی از موارد مشترکی که در بسیاری از قصه ها به چشم می خورد همراهی درخت و پرنده است.. در غالب داستان ها پرنده گانی روی درخت می نشینند و برای قهرمان قصه می گویند.. در قصه ی «دختر شاه پریان» قهرمان سیب های درخت را به چاه می دهد و چاه پرنده ای را به یاری پسر می فرستد. «سیب» در بسیاری از قصه ها نقش دارد و غالباً خوش یمن است.. در بیشتر قصه ها با باروری همراه هست و در بعضی قصه ها نیز خبر از وصال می دهد.. در قصه ی «دختر شاه پریان» ما در پایان داستان شاهد وصال قهرمان با دختر شاه پریان هستیم. همان طور که در ابتدای داستان و در دوران کودکی قهرمان ما همیاری حیوان (بز) را به قهرمان داستان دیدیم در این بخش از داستان گیاهی وارد عمل می شود و راه را به قهرمان می نمایاند.

٥.٩ تولد قهرمان

قهرمان در قصه ی «دخترشاه پریان» پسر پادشاه است.. تولد او جدایی را به همراه دارد.. جدایی از خانواده، قصر و هویتش.. با توجه به تقدیرگرایی قصه ها و افسانه ها، تولد وی از همان ابتدا از پیش تعیین شده و الگومند است.. و تمام مسیر زندگی اش از تولد تا هنگامی که از هویتش آگاه می شود در فرایندی نظام مند برنامه ریزی شده است.. بسیاری از قهرمانان قصه های عامیانه، افسانه ها و اسطوره ها در کودکی با جدایی ناگزیر از پدر و مادر خود مواجه می شوند.. و آنچنان که جوزف کمپبل در کتاب «قهرمان هزار چهره» نشان می دهد، قهرمانان از بدو تولد در درون خویش دارای نیروی خود به خود خلاق جهان طبیعی هستند.. در حقیقت از لحظه ی تولد قهرمان و یا از لحظه ای که او در زهدان مادر جای می گیرد، نیروهای شگفت و خارق العاده به او عطا می شود و کل زندگی او به صورت نمایشی باشکوه از معجزات تصویر می شود (کمپبل، ١٣٨٩ : ٣٢٤).

٥.١٠ پرورش قهرمان توسط پیرزن و پیرمرد

قهرمان (پسر پادشاه) به همراه خواهرش، توسط پیرمرد و پیرزنی تنگدست بزرگ می شود.. راوی برای آنکه تنگدستی آنها را نشان دهد به این نکته اشاره می کند که «فقط از دار دنیا یک بز داشتند و با شیر بز زندگی خود را می گذراندند (ارجی، ١٣٨٥ : ٨٧). بزرگ شدن قهرمان این داستان خارج از محیط قصر، سبب می شود تا وی با تکیه بر نیروهای ذاتی و درونی خویش رشد کند و پرورش یابد.. وی نیاز به راهنمایی های پدر ندارد زیرا در درون خویش نیرویی شگرف را کشف کرده است.. شیوه ی زندگی قهرمان در قصه ی «دختر شاه پریان» کاملاً مطابق با نمونه های جامع افسانه هاست.. در این الگوها یکی از دو خانواده ای که در زندگی کودک نقش مهمی بر عهده دارند خانواده ی اشرافی و سلطنتی است.. خانواده ی دوم که او را نگهداری و سرپرستی می کند برحسب اوضاع و شرایط تفسیر

خانواده ي کوچک یا مستمند به شمار مي رود (حسيني و شكيبي، ۱۳۹۳: ۹۹).. لازم به ذکر است که از منظر روانکاوي و با توجه به آنچه فرويد بدان باور دارد اين دو خانواده يکي هستند که به مقتضاي اسطوره، يکي اشرافي و ديگري فرودست است (فرويد، ۱۳۴۸: ۸). بسياري بر اين باورند که شخصيت انسان در کودکی شکل مي گيرد.. قهرمان داستان در دوران کودکی به اجبار و با حيله ي نامادري از خانواده دور شد.. پرورش او در محيط خارج از قصر و دشواري اين نوع از زندگي و نیز مواجهه با مشکلات از دوران کودکی سبب شد تا قهرمان ابديده شود..

۵.۱۱ سگ

در قصه ي «دختر شاه پريان» سگ نیز حضور دارد.. «موقعي که زن شاه مي خواست پا سبک کند، کنيز با يکي از قابله ها هم دست شد و وقتي که بچه هاي پادشاه به دنيا آمدند آنها را دو توله ي سگ عوض کردند و به پادشاه خبر دادند که همسرش دو توله سگ به دنيا آورده است» (ارجي، ۱۳۸۵: ۸۷). سگ ها نماد محافظ يا محتاط يا اصل فلسفي حيات هستند.. گاه سگ ها مظهر پيکي هستند که بين نيروهاي علوي و دوزخي اين سو و آن سو مي روند.. محافظ مرزهاي بين اين جهان و آن جهان.. نگرهبان گذرگاه، نگرهبان جهان زيرين، همراه مرده، هادي ارواح به جهان مردگان.. (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۰۲). کنيز يا همان نامداری در قصه ي «دختر شاه پريان» با عوض کردن دو کودک با توله سگ به صورت ناخودآگاه حيات و محافظ را با آنان همراه مي کند.. سگ هايي که با اينکه فقط نامشان بر روي دو کودک است اما در اصل محافظ آنان هستند.

۵.۱۲ قصه گفتن دختر شاه پريان براي پادشاه

آنچه از روايان قصه هاي عاميانه (متون نوشتاري و شفاهي) مي نمايد، عموماً زنانند که سنت قصه گويي را به دوش کشيده اند و مي کشند.. چنان که شهرزاد خود از طبقه ي اشراف و دختر وزير است.. در هفت پيکر نظامي زنان بهرام گور براي او قصه مي گویند و همگي دختران پادشاه هفت اقليم اند.. اگر به قصه ها شفاهي مدون امروزي بنگريم، اکثر روايان زن هستند.. قصه گويي در گذشته هنري برجسته و عالي براي زنان اشراف و نشاني از فرهختگي آنان بوده و ارزشي هم سنگ نژاد، زيبايي و ديگر ويژگي هاي ارزشي براي آنها داشته است.. قصه گويي و افسانه سرايي مي توانسته بر نفوذ و تأثير کلام راوي در نزد پادشاه بيفزايد و به تدريج او را بر پادشاه مسلط سازد (دالوند، ۱۳۸۳: ۳۹).

دختر شاه پريان بيش از تمام شخصيت هاي اين قصه از زندگي خواهر و برادر آگاه است.. او براي پادشاه قصه مي گوید زیرا مي داند آگاهي او از تمام ماجرا و سحر کلامش مي تواند بر پادشاه تأثير گذارد.. او مهارت اين را دارد که به گونه اي قصه را با واقعيت بياميزد که بدون آنکه اشاره اي بکند همگان دريابند که اين قصه واقعيت زندگي خود ايشان است. قصه گويي دختر شاه پريان علاوه بر آنکه پادشاه را آگاه مي کند سبب روشنگري قهرمان داستان نیز مي گردد.. او با اين قصه به کودکی خود بازمي گردد.. و نیز روح کودکانه و پذيراي قصه ي او نیز اقتاع مي شود.

۵.۱۳ سه بار اتفاق افتادن

پادشاه و قهرمان در اين قصه سه ديدار سرنوشت ساز با يکديگر دارند و سومين بار به کشف حقيقت منجر مي شود.. عدد «سه» در بسياري از باورها عدد کلامي است.. زیرا همين آغاز دارد، هم ميانه و هم پايان.. نيروي «سه» عالمگير است و مشمول طبيعت سه گانه ي جهان، يعني آسمان، زمين و آب ها.. سه يعني انسان شامل بدن، جان و روح.. يعني تولد، زندگي و مرگ.. گذشته، حال، آینده.. (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۴). در ديدار ميان پادشاه و قهرمان قصه، ديدار اول رنگ و بوي گذشته را دارد.. پادشاه به ياد فرزندان خود مي افتد و ياد و خاطره ي سال هاي دور براي او زنده مي شود.. «امروز در جنگل جواني را ديدم و ياد گذشته ها افتادم.. اگر بچه هايم توله سگ به دنيا نيامده بودند، حالا هم سن و سال او بودند» (ارجي، ۱۳۸۵: ۸۹). ديدار دوم به حال و اکنون مي پردازد و وقايع خارج از اين زمان نيست.. در ديدار سوم که دختر شاه پريان نقش کلیدی را ايفا مي کند حقايق بيان مي شود.. زمان گذشته با حال و آینده پيوند مي خورد و سرنوشت هريك از شخصيت هاي داستان مشخص مي گردد. در بين تمامي اعداد نمادين عدد «سه» براي کودکان شناخته شده تر است.. بسياري از کودکان در بازي هایشان «تا سه نشه بازي نشه» را مي گویند.. و اين نشان گر است که براي آنان «سه» نماد کمال است، نماد تمام شدن.. انتخاب عدد «سه» در ميان بسياري از اعداد نمادين، انتخابي هوشمندانه براي کودکان است.

۵.۱۴ حضور پيرمرد در بين راه

در بسیاری از افسانه ها و قصه ها عامیانه، قهرمانان برای حل مشکلی پس از عزیمت از دیار، به شخصی یاریگر برمی خورند که با استفاده از عنصری جادویی مشکل قهرمان را حل می کند. در افسانه ها و قصه های عامیانه تقدیر گرای حضور پررنگ دارد. و اراده ی فردی در پیشامد ماجرا دخالت چندانی ندارد. وقتی پیرمرد بر سر راه جوان قرار می گیرد، او را راهنمایی می کند. اما راهنمایی ها او همه از نوع دستور است. اقداماتی که به جوان دیکته می شود. جوان باید تمام کارهایی که از او خواسته شده را انجام دهد بدون آنکه اراده اش سهمی در این کار داشته باشد. و نتیجه این اطاعت پیروزی خیر بر شر است. و می توان دریافت که از همان ابتدا زمینه به گونه ای فراهم می شود که قهرمان داستان بر بدی ها فائق آید. قهرمان داستان از کودکی راهنمایان و همراهان زیادی را بر سر راه خود دید حتی بسیاری از ندیده ها نیز می توانند همراه به حساب آیند. به عنوان مثال وقتی قهرمان در کودکی، در صندوقی گذاشته و به رودخانه انداخته شد، نبود مشکلات در مسیر رودخانه حکایت از یاری به او را دارد. تغذیه قهرمان در کودکی توسط «بیز»، بزرگ شدن آنان توسط پیرمرد و پیرزنی که اولادی نداشتند همه یاری های دیدنی به قهرمان کودک را نشان می دهد.

نتیجه

بررسی و تجزیه و تحلیل افسانه ها و قصه های عامیانه بسیاری از زوایای تاریک تاریخ را برای آیندگان روشن خواهد کرد. به همین سبب، امروزه پژوهشگران زیادی کوشیده اند تا با رویکردهای مختلف به جمع آوری، طبقه و مطالعه این آثار بپردازند. نگارنده در این پژوهش قصه ی «دخترشاه پریان» را براساس کارکردهای نمادین بررسی کرد. همچنین به نقش کودک و نوجوان در ادبیات عامه و قصه ی «دختر شاه پریان» پرداختیم. نقش شخصیت های کودک و نوجوان در قصه «دختر شاه پریان» پررنگ نیست. اما محتوای قصه و بسیاری از کنش ها و پدیده ها برای مخاطب کودک و نوجوان جذابیت دارد. کمتر بخشی را در داستان می یابیم که برای مخاطب کودک و نوجوان گنگ و نامفهوم باشد. همچنین مریبان و متولیان ادبیات کودک می توانند با رمزگشایی و بیان نمادهای قصه ها و افسانه ها، دنیای رازآمیز و فانتزی این قصه ها را بیش از پیش برای کودکان و نوجوانان روشن سازند.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، جعفر (۱۳۸۱). *وقتی سایه ها سنگ می شوند*. تهران: سوره ی مهر.
- ارجی، علی اصغر (۱۳۸۵). *افسانه های قوچان*. بازنوشته حمیدرضا خزاعی. مشهد: انتشارات ماه جان.
- افلاطون (۱۳۳۵). *جمهور*. ترجمه ی فواد روحانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- الیاد، میرچا (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ دوم. تهران: سروش.
- ایمن، لیلی و دیگران. (۱۳۵۴). *گذری در ادبیات کودکان*. چاپ سوم. تهران: شورای کتاب کودک
- بتلهایم، برونو (۱۳۷۹). *خشونت در افسانه ها*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۲۲.
- بتلهایم، برونو (بی تا). *کاربرد افسون*. ترجمه ی کاظم شیوا رضوی. تهران: انتشارات شیوا رضوی.
- حاجی نصرالله، شکوه (۱۳۸۲). *کارکرد قصه های کهن، بازی آزادانه خیال*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۵.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۸). *ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی ها و جنبه ها*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان. چاپ دهم
- حسینی، مریم و شکیبی ممتاز، نسرین (۱۳۹۳). *اسطوره ی تولدن قهرمان*. نشریه ی ادب پژوهی. شماره ی ۲۹.
- خدیش، پگاه (۱۳۸۷). *ریخت شناسی شناسی افسانه های جادویی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوبوکور مونیک (۱۳۷۶). *رمزهای زنده جان*. ترجمه ی جلال ستاری. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- سهراب مافی، معصومه (۱۳۷۲). *هفته مقاله درباره ادبیات کودکان*. تهران: شورای کتاب کودک
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۲). *ادبیات کودکان*. تهران: اطلاعات.
- علی پور، منوچهر (۱۳۷۸). *آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان*. تهران: فردوس.
- فروید، زیگموند (۱۳۴۸). *موسی و آیین یکتاپرستی*. ترجمه ی قاسم خاتمی. تهران: پیروز.
- قنواتی، محمد (۱۳۸۳). *بررسی تطبیقی ادبیات شفاهی مردم فارس و عرب خوزستان*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۹.
- کائدی، شهره (۱۳۷۸). *نه افسانه، نه تاریخ*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۱۶.
- کمپیل، جوزف (۱۳۸۹). *قهرمان هزار چهره*. ترجمه ی شادی خسروپناه. تهران: گل آفتاب.

كوپر، جي. سي (١٣٧٩).. فرهنگ نمادهاي سنتي.. تهران: انتشارتت فرشاد.
محبوب، محمدجعفر (١٣٨٢).. ادبيات عامه ايران.. تهران: نشر چشمه.
محمدي بدر، نرگس و نورالديني اقدم، يحيي (١٣٩٤).. كهن الكوي پرورش شخصيت هاي اساطيري توسط حويانات و موجودات اسطوره
اي.. پژوهشنامه ي ادب حماسي.. سال يازدهم.. شماره ١٥.
ميرصادقي، جمال (١٣٨٠).. ادبيات داستاني.. تهران: نشر آتیه.
ميرصادقي، جمال (١٣٧٦).. عناصر داستان.. تهران: شفا.
هاشمي نسب، صديقه (١٣٧١).. کودکان و ادبيات رسمي ايران: بررسي جنبه‌هاي مختلف بازنويسي از ادبيات کلاسيک ايران براي
کودکان و نوجوانان.. تهران: سروش.
هدايت، صادق (١٣٧٨) فرهنگ عاميانه ي مردم ايران.. به كوشش جهانگير هدايت.. چاپ چهارم.. تهران: نشر چشمه.
هينلز، جان (١٣٨٢).. شناخت اساطير ايران.. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تقضلي.. ج ٨.. تهران: نشر چشمه. رزومه
پژوهشگر در سال ١٩٧٦ ميلادی در شهر کاظمین متولد، ودر سال ١٩٩٣ حائز مدرک کارشناسی زبان وادبيات فارسی از دانشگاه
بغداد گرديد. در سال ٢٠٠٠ ميلادی، در همان دانشگاه به عنوان استاد زبان منصوب، ودر سال ٢٠٠٦ موفق به نيل مدرک کارشناسی
ارشد شد. در محافل محلی و سراسری مشارکت، و از شخصيت های زيادی مورد تجليل قرار گرفته است.